



مراجع مختلف کتاب (در قالب جدول یا گفتاورد) و نیز ذکر اقتباسات مؤلف، توضیحات دقیقِ مبسوط و مستند از محاسن تحفة السلاطین چاپی است.

مصحح محترم در مقدمه با بیان سیر تاریخی منطق ارسطو در دنیای اسلام، «چهار نظام منطقی‌نگاری نُه بخش یونانی‌مآب، منطق‌نگاری دو بخشی سینیوی، منطق‌نگاری التقاطی و منطق‌نگاری تلفیقی» را نتیجه تلاش منطق‌دانان مسلمان می‌داند (ص بیست‌ویک — بیست‌ودو) و معتقد است که آنان نوآوری‌هایی در مسائل منطقی همچون تصور و تصدیق، قضایا و... داشته به خصوص در سده‌های هشتم تا یازدهم هجری رساله‌هایی هم در مسائل مزبور نوشته‌اند (ص بیست‌ودو — بیست‌وسه).

بخش بعدی مقدمه از مؤلف تحفة السلاطین، جایگاه تاریخی و ساختار و نظام منطق‌نگاری و نیز ویژگی‌های آن سخن می‌گوید.

مصحح در تعلیقات خود بر تحفة السلاطین همچون مقدمه آن به طور تطبیقی به تحلیل آرای مؤلف و نشان دادن نوآوری‌های انصاری، بیان منابع، ارجاعات و نقد برخی مواضع وی و نیز رفع نواقص عمده کتاب می‌پردازد.

دکتر احد فرامرز قراملکی با تصحیح متن و تحقیق تطبیقی محتوای تحفة السلاطین و بر شمردن مفصل موارد اختلاف و اشتراک نظر منطقی انصاری با بزرگان فلسفه اسلامی، کار سترگی انجام داده که ارزشمند و ستودنی است؛ اما با وجود این برخی نارسایی‌ها در انشای مقدمه و تعلیقات و هم غلط‌های چاپی به دیده می‌آید که بعضاً فهم مطالب را به خصوص برای خواننده متوسط دشوار می‌سازد. باید گفت از اینکه منطق دویبخشی و نُه‌بخشی را مقدمه یک کتاب تعلیمی و توضیح نداده (مگر در تعلیقات، ص ۳۱۶) یا اینکه نشانی کامل برخی نوشته‌هایش را (که عنوان آنها را آورده، ص ۳۱۶، ۳۲۶) ذکر نکرده، گویا مخاطبان خاصی را در نظر داشته که با روش و طرز نگارش ایشان آشنا نیستند. البته به کار نبردن علائم نقطه‌گذاری در بیشتر جاها نیز روانی جمله‌ها را از بین برده است، طوری که خواننده متخصص هم ممکن است برای فهم یک جمله یا پاراگراف (مثلاً در صفحات ۳۵۹، ۳۶۵، ۳۷۰) مجبور شود آن را چند بار مرور کند. فهرست منابع (در آخر کتاب) هم ناقص است.

ولی قیصرانی

تحفة السلاطین، محمدبن جابر انصاری، تصحیح احد فرامرز قراملکی، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۶ش.



تحفة السلاطین محمد انصاری یکی از آثار تعلیمی علم منطق، به جای مانده از سده یازدهم هجری است که به فارسی و عمدتاً بر اساس کتب معتبر منطق فلاسفه مسلمان همچون شفا (ابن سینا) شرح اشارات (فخر رازی و نصیرالدین طوسی) و... تألیف یافته که در عین حال حاوی نکاتی نو در علم مزبور است. مصحح محترم آن که خود از استادان دانشگاه و مدرس منطق است همت نموده مراجع انصاری جهت تألیف تحفه را استخراج کرده و به روش تطبیقی، مقدمه و تعلیقات عالمانه مرتبی (روی هم ۸۳ص) بر کتاب افزوده است که خواننده می‌تواند برای فهم بیشتر مطالب کتاب از آنها بهره فراوان ببرد. کشف نوآوری‌های مؤلف، تطبیق و شمارش مطالب



گزارش میراث

منتخب رسالات صفاءالحق، گزینش، ویرایش و تعلیقات از علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۶ش، ۹۷ ص.



منتخب رسالات صفاءالحق (همدانی) یا حکیم سیدحسین مدنی متخلص به صفاءالحق (۱۲۵۶-۱۳۴۱ش) شامل دو شرح حال (به قلم خودش) (ص ۱-۲۴)، رساله بزرگان (ص ۲۵-۶۲)، رساله کلیه (ص ۶۳-۸۲)، چند صفحه درباره موسیقی (بدون عنوان) (ص ۸۳-۸۶) و فهرست اصطلاحات فنی و علمی و نیز واژه‌ها و تعبیرات محلی است که با کوشش آقای ذکاوتی به چاپ رسیده است. مصحح محترم که پیشتر مقاله‌ای (بر اساس نوشته‌های صفاءالحق) در شرح حال و تحلیل آثار و ویژگی‌های شخصیتی وی نگاشته (نک: «حکیم صفاءالحق همدانی عارف و هنرمند ناشناخته»، کیهان فرهنگی، س ۵، ش ۱۰، ۱۳۷۶ش، ص ۳۹-۴۰)، این بار نیز در مقدمه منتخب رسالات صفاءالحق اشارتی نکته‌جویانه و با استناد به برخی منابع بر مهم‌ترین و مؤثرترین موارد سرگذشت‌نامه (خودنوشت) مؤلف دارد و تفصیل مطلب را به نوشته اصلی وی ارجاع می‌دهد. از جمله خصوصیات فعالیت در نهضت مشروطه، تجددطلبی، تبحر در طب قدیم و آشنایی با طب جدید، دامپزشکی و داروشناسی (به ویژه در نوع سنتی آن)، آشنایی با عقاید ملل و نحل خاورمیانه (بر اثر سیر و سیاحت)، سرودن شعر (صاحب دیوان) و ... را از او بر می‌شمارد و درباره برخی از آنها می‌گوید: «مخالفت صفاءالحق با تجددطلبی به شیوه رضاخان به معنی این نیست که او با علم جدید و صنعت و ملی‌گرایی به معنی صحیح آن مخالف بوده

است. بر عکس او شخصاً طبیعی آشنا به شیوه‌های قدیم و جدید طبابت و خواستار آبادی مملکت و ترویج صنایع داخلی و پیشگیری از غریزدگی است؛ ضمن آنکه خود علاوه بر طبابت، موسیقیدان و خوشنویس و نقاش نیز بوده است» (ص ده). یا: «... غزلیات صفاءالحق در سبک هندی است و بعضی ابیاتش پیچیده است و چنان نیست که آسان فهمیده شود» (ص دوازده).

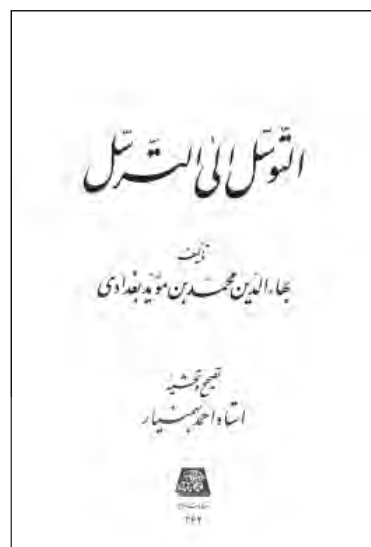
منتخب... حاوی نکات آموزنده‌ای در بیان دو شیوه پزشکی جدید و قدیم، برخی واژه‌ها و ضرب‌المثل‌های همدانی، نحوه وکالت مجلس (زمان مؤلف)، تاریخ همدان (در جنگ جهانی اول)، شرایط اجتماعی آن زمان (حال رعیت و...)، فرهنگ مردم (و ضد فرهنگ سودجویان و دزدان به خصوص در مواقع بروز حوادث طبیعی)، ملی‌گرایی، دامپزشکی و پرورش حیوانات (دامداری، طیورداری با تعلیمات بسیار کاربردی)، تحلیل آفاقی و انفسی از موجودات (البته بیشتر، از حیوانات)، اخلاق در زندگی، گیاه‌شناسی، تعلیم و تربیت، ادبیات و موسیقی است که خواننده می‌تواند از آن بهره‌های فراوان ببرد.

در اینجا به گفتاوردی از کتاب مذکور اکتفا می‌کنیم: «موافق دامپزشکی امروز در بین گله‌های گوسفند و بز بسیاری از گوسفندها و بزها دارای گال (گری) پیدا می‌شود و پشم و موی آنها در بعضی از اعضایشان ریخته است. اگر این قبیل حیوانات را از نزدیک با دقت امتحان کنند روی دماغ و گوش‌ها و گاهی اوقات روی پاهای آنها گم‌ره بسته (پوسه پوسه) یا لکه‌های زخم روی پوست مشاهده می‌شود و حیوان‌ها شروع به خاریدن بدن نموده به سرعت لاغر می‌شوند شیرشان کم و پشمشان می‌ریزد اگر جلوگیری و معالجه‌شان نکنند خواهند مرد... حتی المقدور باید معالجه زودتر شروع شود ابتدا با آب و خرده آجر یا سنگ‌پا گم‌ره‌ها را سائیده و به خوبی دماغ و گوش‌ها و سایر عضو مریض را پاک نمود بعد پارچه تمیزی را در نفت بزنند و محل مریض را به خوبی به نفت آلوده کنند این عمل پس از گذشتن ده روز باید تکرار شود و هرگاه فراهم شود یک بطری سرکه با یک مثقال کات هندی داخل کنند... به عضو علیل بمالند و...» (ص ۴۶).

ولی قیطرانی

مدرس دانشگاه همدان

التوسل الى التوسل، بهاءالدین بغدادی، به تصحیح احمد بهمنیار، تهران، چاپ اول، اساطیر، ۱۳۸۵ش، ۳۸۹ص.



کتاب مجموعه‌ای از منشآت بهاءالدین محمدبن مؤید بغدادی، منشی علاءالدین تکش خوارزمشاه، است و می‌توان گفت پس از عتبه‌الکتابه، اثر منتجب‌الدین بدیع جوینی، دومین مجموعه مدون و در دسترس از نامه‌های کهن اداری و رسمی زبان فارسی همین اثر است. التوسل الی التوسل را باید یکی از بهترین نمونه‌های نثر فنی و درباری قرن ششم دانست. فراوانی واژگان و عبارات عربی، کثرت مترادفات و سجع و موازنه، حذف افعال بدون قرینه و ضعف تألیف از ویژگی‌های سبکی این کتاب است. ملک‌الشعرای بهار (سبک‌شناسی، تهران، بدیهه، چ ۹، ۱۳۷۶ش، ۸۷۱/۲) در مورد دوره تألیف این کتاب می‌گوید: «مقدمه فساد نثر در این دوره آغاز می‌کند و بلای عام و تطویلات بلاطایل و عبارت بی‌مغز، از این زمان بر سر نثر زیبای پارسی فرود می‌آیند.»

التوسل شامل دیباچه‌ای در ستایش خدا و پیامبر و پادشاه زمان، مقدمه‌ای در مدح وزیر وقت، مقدمه‌ای در مورد شیوه انشای فارسی و سبک‌های گوناگون نویسندگان است. پس از این مقدمات، سه قسم اصلی کتاب می‌آید: قسم نخست حاوی فرمان‌ها، منشورها و عهدنامه‌ها است، قسم دوم دربردارنده سلطانیات و نامه‌هایی است که از سوی پادشاه به امرا و ملوک زیر

دست نوشته شده و قسم سوم شامل اخوانیات یا نامه‌های دوستانه است.

نسخ مورد استفاده استاد بهمنیار در تصحیح این اثر عبارت است از:

۱. نسخه لیدن، که در سال ۶۶۸ ق و به خط نسخ کتابت شده است. برخی از اوراق پایانی این نسخه جابه‌جا شده است و اختلافی در رسم‌الخط آن به چشم می‌خورد، اما روی هم‌رفته دستنویسی است خوانا و صحیح.

۲. نسخه پاریس، که در سال ۶۸۴ ق در شهر انطالیه، واقع در آسیای صغیر، و به خط نسخ متمایل به تعلیق کتابت شده است. چند صفحه آغازین این نسخه افتاده است، اما در پایان آن مکتوبی مفصل درج گردیده که در نسخه لیدن نیامده و الحاقی به نظر می‌رسد؛ این مکتوب احوال نویسنده را در ایام حبس شادیاخ شرح می‌دهد. درباره این واقعه، هدایت در مجمع‌الفصحا (به تصحیح مظاهر مصفا، تهران، امیرکبیر، چ ۲، ۱۳۸۲ش، بخش ۱ از ج ۱، ص ۶۱۲) چنین می‌گوید: «وقتی صاحب اجل شمس‌الدوله مسعود از وی آزرده شد، وی را قید و حبس کرد و در حبس بمرد.» در پایان این نسخه مجموعه‌ای از منشآت سلجوقیان روم و نامه‌های سلطان جلال‌الدین منکبرنی آمده است؛ استاد قزوینی این رساله‌ها را به شهاب‌الدین محمد نسوی، نویسنده نقتة‌المصدر، منسوب داشته است. به این دستنویس ابیات و عبارات متعددی الحاق گردیده و اغلاط و تصرفات فراوانی در آن دیده می‌شود.

علامه قزوینی، به اشارت وزارت معارف وقت، در سال ۱۳۱۰ش از این دو نسخه عکس‌هایی فراهم آورد و به ایران ارسال داشت. استاد بهمنیار در سال ۱۳۱۵ش این اثر را تصحیح و منتشر کرد. او نسخه لیدن را اساس قرار داد، آن را با نسخه پاریس مقابله نمود و اختلافات را در پاورقی ضبط کرد. مکتوب شادیاخ نیز بر اساس تنها نسخه موجود، نسخه پاریس، بازنویسی شد. او برخی از واژه‌های دشوار متن را هم در پاورقی‌ها شرح داد. در پایان کتاب فهرست اعلام به چشم می‌خورد. کتاب اکنون بار دیگر، به صورت افست به چاپ رسیده است.

سید محمد صاحبی



شاعران قدیم کرمان، پژوهش سیدعلی میرافضلی، تهران، نشر کازرونیه، ۱۳۸۶ش.



ما در تاریخ ادبیات خود با نام سراینندگان بسیاری مواجه می‌شویم که فقط اشاره‌ای به نام و چند بیتی از سروده‌های ایشان در تذکره‌ها و یا جنگ‌های قدیمی ثبت شده است و جز این، اطلاع بیشتری از زندگی آنان نداریم. برخی از این سراینندگان از آغازگران سرایش شعر فارسی بوده یا از شاعران تأثیرگذار در شعر ادوار بعدی بوده‌اند و آگاهی دقیق درباره زندگی و شعر ایشان برای تاریخ ادبیات فارسی ضروری است.

ما ناگزیریم که برای آگاهی از جزئیات بیشتر درباره زندگی این سراینندگان و همچنین دستیابی به سروده‌های بیشتری از آنان به تذکره‌ها، کتاب‌های تاریخ و جنگ‌های کهن — و گاه نیز فرهنگ‌های لغت — رجوع کنیم. چه بسا با یک عبارتِ دعایی در کنار نام یک سراینده، بتوانیم دریابیم که تا چه دوره‌ای زنده بوده است.

اینکه امروزه شمار قابل توجهی از سروده‌های پراکنده رودکی، کسائی و... به صورت آثار مستقل در اختیار ما قرار گرفته، حاصل تتبعات پژوهشگران معاصر در این گونه آثار است. اما در این مورد یک نکته را باید مدنظر قرار داد و آن اینکه بسیاری از پژوهش‌هایی که پیش از این انجام گرفته، بر مبنای محتویات تذکره‌ها و کتاب‌های تاریخی و ادبی بوده است و متأسفانه به جنگ‌های قدیمی، آن چنانکه بایسته می‌باشد، توجهی مبذول نشده است.

فواید و ارزش‌های جنگ‌های کهن بر کسی پوشیده نیست. اگر توجه داشته باشیم که تذکره‌های فارسی — غیر از دو سه اثر — همگی پس از سده دهم هجری پدید آمده است و اگر در نظر بگیریم که محتویات بسیاری از این تذکره‌ها — به خصوص درباره سراینندگان متقدم — رونویسی از آثار پیشین بوده است، آنگاه درمی‌یابیم که

چرا باید غیر از این آثار، از دیگر منابع — و به خصوص جنگ‌های کهن — نیز استفاده کنیم.

کاری که اخیراً توسط پژوهشگر سخت‌کوش، آقای سیدعلی میرافضلی، انجام یافته، از جمله پژوهش‌هایی است که برای پاسخگویی به نیاز فوق‌تدوین شده است. ما پیش از این چند اثر تحقیقی و به خصوص پژوهش درباره ترانه‌های خیام را از آقای میرافضلی شاهد بوده‌ایم و پژوهشی که ایشان اکنون ارائه کرده‌اند، نمونه‌ای از پژوهش‌های روشمند در گردآوری آثار سراینندگان گمنام — یا کمتر شناخته‌شده — زبان فارسی به شمار می‌آید.

ایشان در جستجویی که در چندین جنگ و مجموعه کهن — و همچنین چندین کتاب چاپی — داشته‌اند، اشعار ۲۶ تن از سراینندگان خطه کرمان در سده‌های ششم تا نهم هجری را استخراج کرده و با یک طبقه‌بندی علمی در قالب کتاب حاضر گردآوری کرده‌اند. مطابق آنچه ایشان در مقدمه کتاب آورده‌اند، نام و آثار برخی از این سراینندگان — همچون محمود منور کرمانی، شمس اوحد کرمانی، محمود کرمانی و... — نخستین بار در این کتاب عرضه شده است. در مورد سراینندگان شناخته‌شده نیز جستجوهای ایشان منجر به کشف تعدادی شعر است که در دواوین و مجموعه‌های مضبوط از اشعار ایشان موجود نبوده و در کتاب حاضر گردآوری شده است.

نویسنده برای ورود به مطلب، بخشی را با عنوان «گوشه‌هایی از سه قرن تاریخ شعر کرمان» در آغاز کتاب آورده و در آن، گفتارهایی را درباره برخی اشخاص و وقایع تاریخی مرتبط با موضوع، مندرج ساخته است. پس از آن به بخش اصلی کتاب — یعنی بخش مرتبط با زندگی و شعر سراینندگان — پرداخته است.

شیوه آقای میرافضلی در کتاب حاضر چنین است که ابتدا به نقل اطلاعات مرتبط با زندگی و شعر هر سراینده پرداخته و پس از آن به درج شعرهایی پرداخته‌اند که از این سراینندگان در جنگ‌های مورد استفاده ایشان موجود بوده است. در صورت لزوم نیز برخی منابع چاپی مورد استفاده قرار گرفته است.

منبع هر کدام از اشعار — اعم از قصیده، رباعی و... — نیز با اشاره دقیق به جایگاه آن در نسخه خطی — یا کتاب — مشخص شده و در صورت لزوم، توضیحات و استدراکاتی در مورد اشعار و ابیات ذکر شده است.

در پایان نیز «نمایه کسان و کتاب‌ها» مندرج است که خواننده را در جستجوی اعلام متن یاری می‌رساند. لازم به ذکر است که آقای میرافضلی کتاب خود را به پاس نیم قرن تلاش در معرفی تاریخ و فرهنگ کرمان، به «دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی» پیشکش کرده‌اند. پژوهش‌هایی همچون کتاب آقای میرافضلی نشانگر این حقیقت است که برای تدوین تاریخ ادبیات فارسی هنوز هم جای بررسی و جستجوی بیشتر وجود دارد. انجام این گونه پژوهش‌ها و انتشار آنها می‌تواند پایه‌هایی برای تکمیل تاریخ ادبیات ما باشد و لازم است که پژوهشگران، کارهای مشابهی را راجع به آثار سرایندگان مناطق دیگر نیز به انجام برسانند.

جا دارد در اینجا اشاره‌ای داشته باشیم کاری مشابه که سال‌ها پیش توسط دکتر محمود مدبری انجام شده و جزو پژوهش‌های بسیار ارزنده در این زمینه به شمار می‌آید. مشخصات اثر مذکور چنین است: شرح احوال و اشعار شاعران بی‌دیوان در قرن‌های ۳ و ۴ و ۵ هجری قمری، تصحیح محمود مدبری، تهران، نشر پانوس، ۱۳۷۰ ش. این کتاب از پژوهش‌های کارآمد درباره زندگی و شعر سرایندگان زبان فارسی تا سده ششم هجری به شمار می‌آید که با تلاشی قابل ستایش از دل ده‌ها کتاب و نسخه خطی فراهم آمده و متأسفانه چنان که شایسته می‌باشد، مورد توجه قرار نگرفته است.

ع. ص

چشم‌اندازهای تازه درباره ایران دوره صفویه

New Perspectives on Safavid Iran, Edited by: Michell Colin.

این کتاب، مجموعه مقالاتی از محققان مختلف درباره موضوع‌های گوناگونی مربوط به ایران در دوره صفویه است که ویژگی آنها، طرح دیدگاه‌های تازه نسبت به این دوره از تاریخ ایران است. این مجموعه، در واقع ارجح‌نامه‌ای در بزرگداشت و یادبود راجر سیوری، محقق پرمایه و متخصص در تاریخ دوره صفویه است. نویسندگان از ملیت‌های مختلف‌اند و تنها ملاک انتخاب مقالاتی تخصصی بوده است. کتاب، با مقاله‌ای از ال‌آزار باثوم، در باب کتابشناسی راجر سیوری آغاز می‌شود. کتاب، پس از این مقاله آغازین، دو بخش دارد:

بخش نخست، شامل شش مقاله بلند درباره موضوع‌های گوناگون تاریخی، اجتماعی و سیاسی دوران صفویه، داخلی و یا در رابطه با همسایگان و دولت‌های دیگر، بر مبنای منابع و مآخذ مکتوب، است. بخش دوم، چهار مقاله از گونه‌ای دیگر دارد که به موضوع‌هایی چون معماری، زیبایی‌شناسی، هنر و موارد توصیفی می‌پردازند. چشم‌اندازهای تازه درباره ایران دوره صفویه را مؤسسه انتشارات راتلیج انگلستان به‌زودی منتشر می‌کند.

ادبیات فارسی جدید در افغانستان

Modern Persian Literature in Afghanistan, Wali Ahmadi.

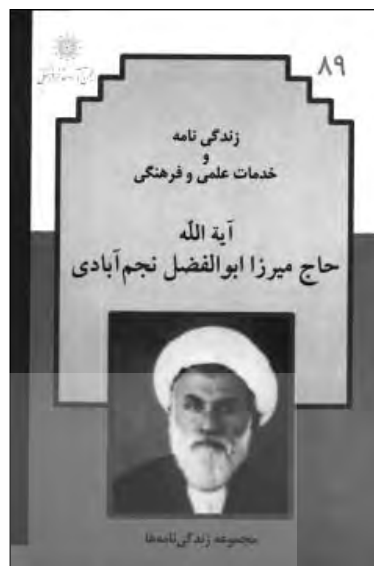
این کتاب شامل دیدگاه‌های گوناگون درباره شکل و تاریخچه ادبیات فارسی جدید در افغانستان است. نویسنده مسیر خاصی را — که بیش از آنکه به معنی معمول اثری تحقیقی باشد، حاوی نظریه‌های او بر روی موضوع است — در پیش گرفته است. هرچند در روش معرفی آرای خود نظم خاصی را دنبال نمی‌کند، بلکه با ترتیب موضوع پیش می‌رود و برای هر یک، شرح و تفصیلی در خور آن می‌آورد. نقطه بازگشت مرکزی اندیشه نویسنده، افغانستان اشغال‌شده است و گرفتار جنگ داخلی و مورد حمله «ضد تروریستی» غرب، در حالی که درست در همین دوران‌های ناآرامی و آشوب، گروه قابل توجهی شاعر و داستان‌نویس، در خود پرورانده است. در این کتاب، شعر و داستان فارسی افغانانی مورد تحلیل و نقد قرار می‌گیرند که در برابر سیاسی‌سازی همه چیز از جمله ادبیات — که در جامعه‌ای با مشخصات بالا معمول است — مقاومت کرده‌اند، بی‌آنکه شانه از زیر سیاست خالی کنند یا منکر دولت مدرن باشند.

فهرست مندرجات کتاب چنین است:

مقدمه: معمای نوگرایی؛ ۱. فراسوی «گرد و غبار»: نظم‌بخشیدن به فرهنگ مدرنیته؛ ۲. منظومه‌های [ملی] حقیقت‌معیار؛ ۳. پایان‌های خطرناک تاریخ: ابراز عقیده و منظومه‌ای ملی‌گرایانه؛ ۴. ادبیات فرامین الهی و بحران اعتقاد؛ ۵. مخالفت با تمرکززدایی: پسایند، سخن پایانی، فرجامین سخن، رقابت با تاریخ. ادبیات فارسی جدید در افغانستان را به‌زودی انتشارات راتلیج منتشر می‌کند.



زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی آیت الله حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۷ش، ۲۰۲ ص.



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در سلسله بزرگداشت هایش به تجلیل و تکریم حاج میرزا ابوالفضل نجم آبادی پرداخته و هشتمین شماره بزرگداشت نامه های خود را به نام این فقیه بزرگ اختصاص داده است.

مرحوم نجم آبادی مدرس فقه و اصول، از دودمان فقاقت برخاسته بود. پس از تحصیلات مقدمات و سطوح از محضر مدرسان بزرگ تهران استفاده کرد و سپس به نجف اشرف رفت. پس از بازگشت به تهران در مدرسه و مسجد شیخ هادی نجم آبادی و مدرسه مروی و بالاخره در مدرسه عالی سپهسالار به تدریس فقه و اصول پرداخت و در سال ۱۳۴۴ش درگذشت. از نجم آبادی آثار بسیاری در فقه و اصول به عربی و فارسی باقی است.

کتاب دارای این مطالب است: پیش گفتار / مهدی محقق؛ العلماء باقون مابقی الدهر / محمدعلی نجم آبادی؛ طرحی از یک زندگی / محمد کریم؛ علل ترجمه کتاب نفیس المراجعات / ابوالفضل نجم آبادی؛ سعادت چیست و سعادت مند کیست؟ / جعفر عدالت نژاد؛ اصل تفاهم / محمدجواد علوی بروجردی؛ فرزند فیلسوف ابوذر / فرناز ناظرزاده کرمانی؛ نجم آبادی: سلف صالح صلحا / محمدجواد علوی بروجردی؛ باسط فقه و فرهنگ / محمود شریفی؛ آیت الله درخانه / امیر محمد مدرسی طهرانی.

فاطمه شاملو

تأثیر زبان فارسی بر زبان ازبکی، عباسعلی وفایی، تهران، چاپ اول، الهدی، ۱۳۸۵ش، ۱۵۹ص.

این کتاب در تداوم کار محققانی، همچون دکتر علی رواقی در کتاب زبان فرارودی، که درباره رواج و تأثیر زبان فارسی را در خارج از مرزهای کنونی ایران پژوهش کرده اند، نوشته شده است.

پیش از روزگار تیموریان فارسی زبان رسمی و رایج در منطقه ازبکستان کنونی بود، اما در دوره ایشان زبان ترکی جایگزین زبان فارسی شد، با وجود این زبان فارسی در ازبکستان به زندگانی خود ادامه داد و تأثیر فراوانی بر زبان ازبکی نهاد. نویسنده در مقدمه از عوامل تأثیر زبان فارسی بر زبان ازبکی سخن می گوید. او حضور تاجیکان در این کشور، همگونی خط فارسی و ازبکی، میراث نسخ خطی ازبکستان، شاعران ذولسانین این کشور و همسایگی با کشورهای فارسی زبان افغانستان و تاجیکستان و آموزش زبان فارسی در مراکز علمی آن را از مهمترین علل این تأثیرپذیری می داند.

اثر به گونه ای علمی و دستوری واژه های دخیل فارسی در زبان ازبکی معاصر را بررسی و ساختمان واژه ها را در طبقاتی مشخص تنظیم می کند؛ واژه هایی که با ساخت های خاص و معانی ویژه ای در این زبان به کار رفته است.

کتاب در نه فصل تدوین شده است: شش فصل آغازین آن مربوط به اسم، گروه اسمی و وابسته های آن است و در سه فصل پایانی از قیود، اصوات و حروف سخن می رود. اما درباره مقوله دستوری فعل بحثی مطرح نمی شود. در آغاز هر بخش توضیحی مختصر درباره مقوله دستوری مورد نظر می آید و سپس نمونه هایی از واژه های دخیل فارسی همراه با معنای ویژه آن در زبان ازبکی و شواهدی از چگونگی کاربرد آن ذکر می شود. نویسنده واژه ها و شواهد این کتاب را از گفتارهای شفاهی فراهم آورده و از متون مکتوب بهره نبرده است. در پایان کتاب فهرست منابع درج شده است.

م.ص

هدایة الحجاج (سفرنامه مکه) ۱۲۹۶-۱۲۹۷ق، ۱۲۵۸-
۱۲۵۹ش، محمدرضا طباطبایی تبریزی، به کوشش
رسول جعفریان، قم، ۱۳۸۶ش، ۲۹۶ص.



کتاب یکی از چندین سفرنامه حجی است که این ناشر به تازگی منتشر کرده است. نسخه این کتاب بسیار خوش خط و خواناست، با این همه مصحح از فراوانی نام‌جای‌های ذکرشده در آن اظهار گلایه کرده است.

مؤلف ابتدا شروع به فصل‌بندی آن، بدین‌قرار می‌کند: فصل اول: در ذکر بعضی از فواید سفر است؛ فصل دوم: در آداب سفر؛ فصل سیم: همراهان. اما به‌ناگاه فصل‌بندی را رها می‌کند و به ادامه متن سفرنامه می‌پردازد.

این سفرنامه ویژگی‌های مهمی دارد، که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. نویسنده تحصیل‌کرده مدارس جدید بوده و با فرهنگ روز دنیا نیز آشنایی کامل داشته است.

۲. در این سفر نویسنده در معیت ثقة‌الاسلام میرزا شفیع بوده است و شرحی از رفتارهای نامبرده در طول سفر دارد.

۳. مؤلف یادداشت‌های سفر را در طول سفر نوشته و پس از بازگشت تدوین کرده است.

۴. مؤلف کوشیده است در تدوین کتاب از منابع مختلفی استفاده کند و علاوه بر مشاهدات روزانه درگیر مباحث موضوعی نیز شده است.

۵. اطلاعاتی در اختیار قرار می‌دهد که برای کاستن از مشکلات سفر و راه لازم‌اند.

۶. وی در باب آداب و معاشرت با دیگران در عربستان، خصوصاً شهرهای مکه و مدینه نکاتی را یادآور می‌شود.
۷. به حیل‌های افراد متقلب برای فریب حجاج اشاره دارد.
۸. اطلاعات جغرافیایی مفیدی ارائه می‌دهد.

۹. بحث‌هایی در انواع پول‌ها، اوزان و اندازه‌گیری‌ها دارد.
۱۰. درباره نمایندگان کنسولی ایران در شهرها یا کشورهای مختلف اطلاعات خوبی می‌دهد.

۱۱. در خصوص برخی از رجال حاضر در حج همان سال شرح و توضیح می‌دهد.

۱۲. توصیف و اطلاعاتی درباره اماکن تاریخی ارائه می‌کند. دو مسیر رفت و برگشت به صورت مبسوطی شرح داده شده است:

شرح مسیر رفت: حاجی در مسیر سفر از آذربایجان به جمهوری آذربایجان فعلی (جمهوری خودمختار نخجوان) می‌رود؛ سپس وارد ارمنستان کنونی می‌شود، به ترکیه می‌رود، و از عرض کشور عبور می‌کند و وارد شهر استانبول می‌شود و با کشتی به ازمیر و سپس به مصر (اسکندریه) می‌رسد. آنگاه به جدّه وارد می‌شود و به مکه عزیمت می‌کند. توضیحات مؤلف از جزئیات مکه و مدینه بسیار خواندنی است.

شرح مسیر بازگشت: از اسکله ینبع به سمت بیروت در لبنان حرکت می‌کند و از آنجا به استانبول، سپس به تغلیس و قره باغ می‌رود و در نهایت وارد ایران می‌شود. او در مسیر بازگشت از مسجد شاه عباس بازدید و با کشیش بزرگ آرامنه و جمعی از مسیحیان دیدار می‌کند. لازم به ذکر است که این حاجی علاوه بر زبان فرانسه، با حساب، هندسه، جغرافی و نقشه‌کشی نیز آشنا بوده است.

عناوینی که مصحح محترم در تصحیح کتاب به کار برده است بسیار بجاست و خوانش متن را تسهیل می‌کند؛ هر چند که ارجاع به پاورقی در همه جای متن مشاهده نمی‌شود.

شهرز نباتی

